

مبارزه‌ی

ضدامپریالیستی، کلید رهایی است

فوسا: به عقیده‌ی شما تغییر و تحولات بعدی وضعیت کنونی در اروپا چه خواهد بود؟

تروتسکی: امکان دارد که این بار دیپلماسی بیش از حد، به یک سازش فاسد دست یابد. اما این چندان دیری نخواهد پایید. جنگ، اجتناب ناپذیر است و به علاوه در آینده‌ی بسیار نزدیک. یک بحران بین‌المللی از پس دیگری فرامی‌رسد. این تشنج‌ها، مشابه با درد زایمان جنگ پیش‌روست. هر تشنج جدید، خصلتی وخیم‌تر و خطرناک‌تر دربر خواهد داشت. در حال حاضر، هیچ نیرویی در جهان نمی‌بینم که بتواند تغییر و تحول این پروسه، یعنی زایش جنگ را متوقف کند. یک کشتار فجیع جدید، بی‌رحمانه در حال تکمیل شدن به بشریت است.

البته اقدام انقلابی به موقع از سوی پرولتاریای بین‌المللی می‌تواند عملکرد درنده‌خوی امپریالیست‌ها را فلج کند. اما باید حقیقتی را که درست پیش‌رویمان است، ببینیم. توده‌های کارگر اروپا در اکثریت قریب به اتفاق خود، تحت رهبری انترناسیونال‌های دوم و سوم هستند. رهبران «انترناسیونال اتحادیه‌های کارگری آمستردام» به‌طور کامل از سیاست انترناسیونال‌های دوم و سوم حمایت می‌کنند و همراه با آن‌ها به، به‌اصطلاح «جبهه‌ی خلق» وارد می‌شوند.

سیاست «جبهه ی خلق»، همان طور که در نمونه ی اسپانیا، فرانسه و دیگر کشورها نشان داده شده است، در اصل، انقیاد پرولتاریا به جناح چپ بورژوازی است. اما کل بورژوازی کشورهای سرمایه داری، جناح راست و همین طور «چپ»، سرتاسر با شووینیزم و امپریالیزم آغشته است. «جبهه ی خلق» به تبدیل شدن کارگران به گوشت دم توپ بورژوازی امپریالیست خود خدمت می رساند. فقط این و نه هیچ چیز دیگر.

انترناسیونال های دوم، سوم و آمستردام، در حال حاضر سازمان های ضدانقلابی هستند که وظیفه شان ایجاد ترمز در برابر مبارزه ی انقلابی پرولتاریا علیه امپریالیزم «دموکراتیک» و فلج ساختن آن است. مادام که رهبری جنایتکار این انترناسیونال ها سرنگون نگردد، کارگران از مقابله با جنگ ناتوان خواهند بود. این حقیقتی تلخ، اما گریزناپذیر است. باید بدانیم که چگونه با آن روبرو شویم، نه این که خود را با توهمات و یاوه سرایی های پاسیفیستی دلداری دهیم. جنگ اجتناب ناپذیر است.

فوسا: تأثیر آن بر مبارزه در اسپانیا و بر جنبش جهانی طبقه ی کارگر چه خواهد بود؟

تروتسکی: برای فهم صحیح ماهیت رویدادهای پیش رو، باید پیش از هر چیز این تئوری نادرست و سراسر خطا را که جنگ پیش رو جنگ میان فاشیزم و «دموکراسی» است، رد کنیم. هیچ چیزی احمقانه تر و نادرست تر از این عقیده نیست. «دموکراسی» های امپریالیستی را تضادها و تصادم منافع آن ها در کلیه ی بخش های جهان، تقسیم می کند. ایتالیای فاشیست اگر ایمان خود را به پیروزی هیتلر از دست بدهد، به راحتی می تواند خود را در یک اردوگاه با بریتانیای کبیر و فرانسه بیابد. لهستان شبه فاشیست ممکن است

بسته به مزایایی که به آن پیشنهاد می‌شود، به این یا آن اردوگاه بپیوندد. در مسیر جنگ، بورژوازی فرانسه شاید فاشیسم را جایگزین «دموکراسی» خود کند تا کارگران را در انقیاد نگاه دارد و وادار به جنگ «تا به آخر» نماید. فرانسه‌ی فاشیست، مانند فرانسه‌ی «دموکراتیک»، به یکسان از مستعمرات خود با سلاح‌هایی در دست دفاع خواهد کرد. جنگ جدید نسبت به جنگ سال‌های ۱۹۱۸-۱۹۱۴، خصلت امپریالیستی درنده‌خوی به مراتب آشکارتری خواهد داشت.

پیروزی هر یک از این اردوگاه‌های امپریالیستی به معنای بردگی قطعی کل بشریت، بستن غل و زنجیرهای مضاعف بر پای مستعمرات امروزی و کلیه‌ی مردمان ضعیف و واپس مانده، از جمله مردم آمریکای لاتین خواهد بود. پیروزی هر یک از اردوگاه‌های امپریالیستی، نشانه‌ی بردگی، بدبختی، فلاکت و سقوط فرهنگ بشری خواهد بود.

راه بُرون رفت چیست؟ شخصاً لحظه‌ای تردید ندارم که یک جنگ جدید به یک انقلاب بین‌المللی علیه حاکمیت باندهای سرمایه‌داری درنده‌خو بر بشریت دامن خواهد زد. در زمان جنگ، تمام اختلافات میان «دموکراسی» امپریالیستی و فاشیسم ناپدید خواهد شد. در تمامی کشورها یک دیکتاتوری نظامی بی‌رحم حکومت خواهد کرد. کارگران و دهقانان آلمان درست مانند فرانسه و انگلستان، نیست و نابود خواهند شد. ابزارهای مدرن کشتار بسیار هول‌انگیز هستند، به طوری که شاید بشریت قادر به تحمل جنگ حتی برای چند ماه هم نباشد. یأس، خشم و نفرت، توده‌های کلیه‌ی کشورهای درحال جنگ را به طغیان با سلاح‌هایی در دست خواهد کشاند. پیروزی پرولتاری جهانی به جنگ مُهر پایان خواهد زد و مسأله‌ی اسپانیا و همین‌طور کلیه‌ی مشکلات جاری اروپا و دیگر بخش‌های جهان را حل خواهد نمود.

آن دسته «رهبران» طبقه ی کارگر که خواهان زنجیر کردن پروتاریا به ارابه ی جنگی امپریالیزم هستند، امپریالیسمی که زیر نقاب «دموکراسی» پنهان گردیده، اکنون بدترین دشمنان و خائنان مستقیم به زحمتکشان هستند. ما باید به کارگران بیاموزیم که از کارگزاران و عمال امپریالیزم نفرت و کینه داشته باشند، چرا که آن ها آگاهی زحمتکشان را مسموم می کنند؛ باید به کارگران توضیح دهیم که فاشیزم تنها یکی از اشکال امپریالیزم است، باید نه علیه علائم ظاهری بیماری، که علیه علل ارگانیک آن، یعنی سرمایه داری، مبارزه کنیم.

فوسا: چشم انداز انقلاب مکزیک چیست؟ کاهش ارزش پول در ارتباط با سلب مالکیت ثروت در زمین و نفت را چگونه می بینید؟

تروتسکی: در مورد این پرسش ها با جزئیات کافی نمی توانم صحبت کنم. سلب مالکیت زمین و ثروت طبیعی برای مکزیک جزئی مطلقاً لاینفک از دفاع از خود در سطح ملی است. بدون تأمین نیازهای روزمره ی دهقانان، هیچ یک از کشورهای آمریکای لاتین استقلال خود را حفظ نخواهند کرد. پایین آوردن قدرت خرید پول، تنها یکی از نتایج تحریم امپریالیستی علیه مکزیک است که آغاز شده. محرومیت مادی در مبارزه، اجتناب ناپذیر است. رستگاری بدون فداکاری ممکن نیست. تسلیم شدن در برابر امپریالیست ها، به معنای سوق دادن ثروت طبیعی کشور، به سوی تاراج، و سوق دادن مردم، به سوی انحطاط و انقراض خواهد بود. البته سازمان های طبقه ی کارگر باید مراقب باشند که وزن و بار اصلی افزایش هزینه ی زندگی بر دوش زحمتکشان نیفتد.

فوسا: چه چیزی می‌توانید در مورد مبارزه‌ی رهایی بخش مردم آمریکای لاتین و مشکلات آینده بگویید؟ نظر شما در مورد «آپریسمو» چیست؟

تروتسکی: به اندازه‌ی کافی با زندگی تک‌تک کشورهای آمریکای لاتین آشنا نیستم که به خود اجازه بدهم پاسخ مشخصی درباره‌ی پرسش‌هایی که مطرح می‌کنید داشته باشم. به هر رو برایم روشن است که وظایف داخلی این کشورها نمی‌تواند بدون یک مبارزه‌ی انقلابی هم‌زمان علیه امپریالیزم حل شود. کارگزاران ایالات متحده، انگلستان، فرانسه (بونیس، ژونو، تولدانو، استالینیست‌ها) تلاش می‌کنند که مبارزه علیه فاشیزم را جایگزین مبارزه علیه امپریالیزم کنند. ما تلاش‌های جنایتکارانه‌ی آن‌ها را در کنگره‌ی اخیر علیه جنگ و فاشیزم مشاهده کرده‌ایم. در کشورهای آمریکای لاتین، کارگزاران امپریالیزم «دموکراتیک» به طور اخص خطرناک هستند، چرا که آن‌ها بیش‌تر از کارگزاران آشکارِ راهزنان فاشیست قادر به تحمیق توده‌ها هستند.

ساده‌ترین و واضح‌ترین مثال را می‌زنم. در برزیل اکنون یک رژیم شبه فاشیستی حاکمیت دارد که هر فرد انقلابی تنها با نفرت می‌تواند به آن بنگرد. فرض کنیم که فردا انگلستان به نزاعی نظامی با برزیل وارد می‌شود. از شما سؤال می‌کنم که طبقه‌ی کارگر در جبهه‌ی کدام یک از طرفین نزاع خواهد بود؟ من شخصاً پاسخ می‌دهم که در این مورد، من در جبهه‌ی ریو دو ژانیروی «فاشیست» در برابر بریتانیای کبیر «دموکراتیک» خواهم بود. چرا؟ چون در جنگ میان این دو، مسأله فاشیزم یا دموکراسی نخواهد بود. اگر انگلستان پیروز بشود، یک فاشیست دیگر را در ریو دو ژانیرو قرار خواهد داد و زنجیرهای مضاعفی بر برزیل تحمیل می‌کند. اگر برعکس برزیل پیروز شود، این یک تکان قوی به آگاهی ملی و دموکراتیک کشور خواهد داد و به

سرنگونی دیکتاتوری وارگاس می انجامد. شکست انگلستان، در عین حال ضربه ای را متوجه امپریالیزم بریتانیا خواهد کرد و تکان نیرومندی به جنبش انقلابی پرولتاریای بریتانیا می دهد. حقیقتاً کسی باید سبک سر باشد که تضادهای جهانی و تنازعات نظامی را به مبارزه میان فاشیزم و دموکراسی تقلیل دهد. باید دانست که چگونه استثماریان، برده داران و راهزنان را در پشت هر نقابی بازشناخت.

در کل کشورهای آمریکای لاتین، مشکلات انقلاب ارضی همواره با مبارزه ی ضدامپریالیستی درهم آمیخته است. استالینیست ها به شکل خیانت کارانه ای مشغول فلج ساختن هر دوی این ها هستند. برای کرمین، کشورهای امریکای لاتین تنها تغییری کوچک در معاملات با امپریالیست ها هستند؛ استالین به واشنگتن، لندن و پاریس می گوید «من را به عنوان شریکِ برابر به رسمیت بشناسید و من هم جنبش انقلابی را در مستعمرات و شبه مستعمرات خاموش می کنم؛ برای این کار، من صدها عامل نظیر لومباردو تولدانو را در اختیار دارم». استالینیزم به بیماری جذام جنبش رهایی بخش تبدیل شده است.

«آپریسمو» را به اندازه ی کافی نمی شناسم که قضاوت مشخصی بکنم. در پرو، فعالیت این حزب یک خصلت غیرقانونی دارد و بنابراین به سختی قابل مشاهده است. نمایندگان APRA در کنگره ی سپتامبر علیه جنگ و فاشیزم در مکزیک، تا جایی که می توانم قضاوت کنم، موضع ارزشمند و صحیحی را همراه با نمایندگان پورتو ریکو اتخاذ کرده اند. باید امیدوار بود که APRA طعمه ی استالینیست ها نشوند، چرا که این مورد، مبارزه ی رهایی بخش را در پرو فلج خواهد ساخت. فکر می کنم که توافقات با آپریسمو برای وظایف عملی معین، تحت شرایط استقلال سازمانی کامل، ممکن و مطلوب باشد.

فوسا: جنگ چه پیامدهایی برای کشورهای آمریکای لاتین خواهد داشت؟
تروتسکی: بی تردید اردوگاه‌های امپریالیستی تلاش خواهند کرد که کشورهای آمریکای لاتین را به گرداب جنگ بکشند تا پس از این، آنان را به طور کامل به بردگی بگیرند. قیل و قال توخالی «ضدفاشیستی» تنها زمین را برای کارگزاران یکی از اردوگاه‌های امپریالیستی آماده می‌کند. احزاب انقلابی آمریکای لاتین برای آمادگی در برابر جنگ جهانی، هم اکنون باید رویکردی آشتی‌ناپذیر نسبت به کلیه‌ی گروه‌بندی‌های امپریالیستی اتخاذ کنند. بر اساس مبارزه برای حراست از خود، مردم آمریکای لاتین باید نزدیک‌تر به یک‌دیگر صف‌آرایی کنند.

در نخستین دوره‌ی جنگ، موضع کشورهای ضعیف، خیلی دشوار است. اما اردوگاه‌های امپریالیستی با هر ماه که می‌گذرد، ضعیف‌تر و ضعیف‌تر خواهند شد. مبارزه‌ی مرگ‌بار آن‌ها با یک‌دیگر به کشورهای مستعمره و شبه‌مستعمره اجازه می‌دهد سر خود را بالا بیاورند. این البته به کشورهای آمریکای لاتین اشاره دارد؛ آن‌ها قادر هستند که رهایی کامل خود را به دست آورند، منتها اگر احزاب و اتحادیه‌های کارگری حقیقتاً انقلابی و ضدامپریالیستی در رأس توده‌ها قرار گیرند. کسی نمی‌تواند با حقه‌بازی، عبارات توخالی و دروغ‌های مصلحتی، از شرایط تاریخی تراژیک فرار کند. ما باید حقیقت را به توده‌ها بگوییم، کل حقیقت را و نه هیچ چیز به جز حقیقت.

فوسا: به عقیده‌ی شما وظایف و روش‌های پیش‌روی اتحادیه‌های کارگری چیست؟

تروتسکی: برای این که اتحادیه های کارگری بتوانند پرولتاریا را برای یک مبارزه ی رهایی بخشی صف آرای کنند، آموزش دهند و بسیج نمایند، آن ها باید از روش های توتالیتیر استالینیزم پاکسازی شوند. اتحادیه های کارگری باید رو به کلیه ی گرایش های سیاسی، تحت شرایط انضباط در عمل، باز باشند. هر کسی که اتحادیه های کارگری را به سلاحی برای اهداف خارجی تبدیل کند (به ویژه سلاح بوروکراسی استالینیستی و امپریالیزم «دموکراتیک»)، به ناگزیر موجب انشقاق در میان طبقه ی کارگر، تضعیف آن و باز کردن در به سوی ارتجاع می شود. دموکراسی صادقانه و کامل در درون اتحادیه ها، مهم ترین شرط دموکراسی در کشور است.

در جمع بندی از شما می خواهم که دروهای رفیقانه ی من را به کارگران آرژانتین بفرستید. تردید ندارم که آن ها حتی لحظه ای به افتراهای نفرت انگیزی که نهادهای استالینیست در کل جهان علیه من و دوستانم پراکنده کرده اند، باور ندارند. مبارزه ای که انترناسیونال چهارم علیه بوروکراسی استالینیستی پیش می برد، تداوم مبارزه ی تاریخی عظیم توده های تحت ستم علیه ستم گران، توده های تحت استثمار علیه استثمارگران است. انقلاب جهانی تمامی توده های تحت ستم را، از جمله کارگران اتحاد جماهیر شوروی، آزاد خواهد ساخت.

لئون تروتسکی

سپتامبر ۱۹۳۸

ترجمه: آرام نوبخت

منبع: آرشیو مارکسیست ها در اینترنت

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۹۴